

اینها نفس المطمئنه تا آفا دخلی عبادی پس درای در میان بنده گان من و آ
خجیتی و درای و بهشت جاودان من عبد الله عرضی الله عنده روایت کرده است
چون مومن را جلا رسد و فرشته پاید بر سر بالین و بگوید که ای جان آرمیده بجای ما
و طاعت پرورن آئی بهشت و آسایش از تو خدای تعالی شتو است جان و بشاوی
پروان آید و عالم ز نور و منور شود و فرشته ای از آسمان نظر کند و در روی
آسمان را بچشم بند و آن مومن را از ترش خواهد فرمان آید تا جان مومن حق تعالی را بکند
فرمان شود و میکانیل را صلوات الرحمن علیه تا جان آن مومن را نیز و یک جانبای مومنان
بر و گوید بر روی فواج کرده شود تا راحت و آسایش بجان او برسد و اگر چیزی را
خرماید باشد نور او آن گور را روشن گرداند و خوش بچسبند کسی که عود پس
نور خواستد باشد اللهم تم از قضا و جونی اجل کا فر سپرد و فرشته پاید بر بالین
وی و بگوید ای نفس پلید بر روی از تن پلید بغداد در دنیا که خدای تعالی از تو شنود
نیست مغوذ باشد من و کس لبس
لا اقسیم لهذا البلد یعنی میگویند که کلایه الماریا است و معنی چنین می شود که
یا وی که نامی شهر که معنی جو صفت که بعضی میگویند که لازمه نیست و معنی چنین است
که لایست چنانکه گویان می گویند مار رخ و محنت نمی آید بود اقسیم لهذا البلد

و ان انت جعل لهذا البلد و حال اینست که تو حلالی درین شهر معنی تراوست که درین
محل جنگی بگوان و بکشی که افاضی از ایشان و غیر تر این روایتست و تراوست که درین
باز روز فتح که باشد و والد و بگمت پدر و ما ولد و بگمت فرزندان که بزاید مراد آدم
فرزندان او و بقول دیگر مراد ابراهیم است و فرزندان و بقول دیگر فرزندان که باشد لکن
خلقنا الانسان فی کعبه با برستی که فریدم آدمی را در پنج و شصتی فریدم آدمی را تا پنج
دعا و آفت بگشت و قیل فریدم آدمی را راست با لاله و ازین انسان بقول بعضی مراد میا
بقول دیگر است و بقول نام مغفل مراد ازین انسان کا فر صمیم است که در قریش
بود بقوت و زور و دشمنی رسول بر صلی الله علیه و سلم نام او کلمه بود و است
ایکتب ایندار و کا فر که کلمه است آن ان یقدر علیه احد مرکز نشود و بروی
سجده که قادر معنی کان نما بر که خدای تعالی بروی قادر است و ویرا بملک خواهد کرد و درین
کلمه بود که در تشکیش سپا شد و در خاک غلطیدن گرفت و می گشت کشت برافرا
و بقول می گوید اهل کت ما لا یکتب نیست که در صحیح کردیم در دشمنی
عبدالیهلار و دروغ می گشت چون وی نفر بود حق تعالی بروی رو کرد و کتت فاجله
بجسب ان کفریه و اجل کان ی بره ان که ایک نموده و ویرا هیچ کس معنی حق
عالمی بدانند که وی دروغ می گوید و ان کا فر شرم نیندازد از خدای تعالی و از خلق و بقول دیگر

عمر ۳

یعنی ۲

سال بیستم